

پژوهشی بر مطالعات نگرش مذهبی و رضایت از زندگی زناشویی

حوری علیجانی^۱، بهناز اورنگ^۲، فاطمه السادات نورالدینی^۳، بی بی مریم مصدري^۴، مهلا عربیان^۵، امیرعلی رجنی^۶

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه سراسری تهران، ایران.

^۳ کارشناسی روان شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور یزد، ایران.

^۴ کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، ایران.

^۵ کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور واحد اردکان یزد، ایران.

^۶ کارشناسی روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، ایران. (باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران)

چکیده

امروزه نگرش مذهبی و رضایت از زندگی زناشویی به عنوان یک موضوع جدید حوزه ی روان شناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، مبین نقش و اهمیت نگرش مذهبی و مولفه های آن در جنبه های رضایت زناشویی و ازدواج و روابط اجتماعی می باشد. نگرش مذهبی عبارت است از اعتقادات منظم و یکپارچه توحیدی که خداوند را محور امور می داند و ارزش ها، اخلاقیات، آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با یکدیگر، طبیعت و با خویشتن را تنظیم می کند. رضایت از زندگی زناشویی، رضایتمندی زناشویی از نگرش و ارزیابی عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی مشترک خود یا برخی از جنبه های زندگی همچون کیفیت ارتباط، سازگاری، توانایی حل مسأله، چگونگی گذراندن اوقات فراغت با همسر منشأ می گیرد. در این مطالعه سعی پژوهشگر بر این است تا به بررسی نگرش مذهبی و نقش آن در رضایت زناشویی در مطالعات پیشین بپردازد تا بدین ترتیب دیدگاهی کلی از مسیر تحقیقات این حوزه ارائه گردد.

واژه های کلیدی: نگرش مذهبی، رضایت زناشویی، زندگی موفق، جنبه های دینی

۱- مقدمه

کسی که در فکر ازدواج است و یا ازدواج می کند، انتظار دارد این زندگی با خوشبختی، سعادت و رضایت همراه باشد و از لحظه لحظه زندگی خود لذت ببرد؛ بدین سبب، آنچه از خود ازدواج مهم تر به شمار می رود، موفقیت در ازدواج یا رضامندی زوجین است. هر چه از عمر خانواده های گسترده می گذرد و تبلور خانواده هسته ای در جامعه بیشتر می شود اهمیت، روابط بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر واضح تر می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهمترین عواملی که، بر بقاء و دوام و رشد خانواده اثر می گذارد روابط سالم و مبتنی بر، سازگاری و تفاهم اعضا بین به ویژه زن و شوهر است. رضایت زناشویی یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده می باشد. همه زوج ها به دنبال آن هستند که از زناشویی زندگی خود لذت ببرند و احساس داشته رضایت باشند

مذهب بعنوان مجموعه ای از باید ها و نباید ها و نیز ارزشهای اختصاصی و تعمیم یافته، از موثرترین تکیه گاه های روانی به شمار می رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه های زندگی فراهم کند و در شرایط خاص نیز با فراهم سازی تکیه گاه های تبیینی، فرد را از تعلق و بی معنایی نجات می دهد.

مذهب و خانواده دو نهادی بوده که همواره در مرکز بحثهای جامعه شناسی قرار داشته است چرا که در گستره جغرافیا و هر کجا که انسانی زیست می کند در عمق تاریخ تا آنجا که نشانی از انسان ملاحظه شده وجود داشته و نیز انسان به پرستش اشتغال داشته است. در واقع نگرش مذهبی می تواند در ارتباط با زناشویی موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده ی سامانه باورها و ارزش هاست که این ویژگی ها می توانند زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین جهت گیری معنوی باعث رشد و توسعه انسان می شود. اغلب پژوهشگران بر این باورند که وجود عقاید مذهبی تأثیر دارد بسزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می شود که نگرش فرد به کل هستی هدف دار باشد و عدم ایمان به خدا موجب می شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف های بسیاری در زندگی می شود. در واقع این پژوهش با توجه به نقش غیر قابل انکار نگرش مذهبی در زندگی انسان، به بررسی رابطه نگرش مذهبی و رضایتمندی زناشویی می پردازد. با امید این که بتواند زمینه ای بر تحقیقات گسترده و دقیق ایجاد کند.

اهمیت حفظ بنیان خانواده در جامعه صنعتی امروز، بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی زناشویی را از پیش برجسته ساخته است. خانواده رکن اساسی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. شکل گیری این نهاد مقدس ناشی از پیوند زناشویی بین زن و مرد است. رضایت فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی زن و مرد خواهد بود. هنگامی که فرد از این رابطه از سطح خشنودی مناسبی برخوردار باشد، زمینه ی رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را فراهم خواهد کرد (عدالتی و ردوزان، ۲۰۱۰).

هرچه از عمر خانواده های گسترده می گذرد و تبلور خانواده ی هسته ای در جامعه بیشتر می شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می شود. در این میان، رضایت زناشویی یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. همه ی زوج ها به دنبال آنند که از زندگی زناشویی خود لذت ببرند و احساس رضایت کنند. رضایت زناشویی، عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر. وقتی افراد همه ی جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند، رضایت، یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی

زن و شوهر محسوب می شود. طبق تعریف فوق، رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه های مختلف روابط زناشویی خود دارند (الیس ۱۹۹۲). رضایت زناشویی، یکی از مهمترین و مؤثرترین ترین عوامل در تداوم یک زندگی موفق، سالم و شاد محسوب می شود.

رضایت زناشویی، یک تجربه ی شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه ی زناشویی قابل ارزیابی است و عوامل بسیاری هستند که در زندگی مشترک روی رضایت زناشویی تأثیر می گذارند و این احساس نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می کند (جیانگ، وانگ، زانگ، لیو و همکاران، ۲۰۱۵)

در پژوهش های مختلف تأثیر سازه های روانشناختی متعددی بر رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است یکی از این عوامل هوش هیجانی است، هدف ما نیز در این پژوهش به بررسی و مطالعه مطالب و مفاهیم مربوط به نگرش مذهبی و رضایت زناشویی خواهیم پرداخت.

۲- بررسی مفاهیم متغیرها

۲-۱ نگرش مذهبی

تعریف مذهب:

در لغت نامه دهخدا در تعریف مذهب آمده است که مذهب در اصطلاح علم کلام اسلامی طریقه ای خاص در هم مسائل اعتقادی به ویژه امامت است که منشاء اختلاف در آن توجیه مقدسات منطقی و یا تفسیر ظاهری کتاب خدا است مانند مذهب شیعه امامی، اشعری و معتزلی.

نظرات دانشمندان درباره دین

میسرون در کتاب ((درباره قوانین)) می گوید: دین پیوندهایی است که انسان را به خدا مربوط می کند. در کتاب ((دین در مرزهای عقل)) می نویسد دین عبارت از این است که ما تکالیف واجب و ضروری خویش را با توجه به اینکه مبتنی بر اوامر الهی است درک نمائیم. (کتاب قوانین میسرون)

-هربرت اسپنسر: ایمان به نیرویی که نتوان مرز پایانی زمانی و مکانی آن را تصور کرد عنصر اساسی دین را تشکیل می دهد (اسپنسر، ۱۳۸۱)

-تی یل: دین وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آن را خشیت میخوانیم (تی یل، ۱۸۰۳)

-برادلی: دین بیش از هر چیز کوششی برای آنکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجود هستس مان باز نمائیم (برادلی، ۱۹۲۴)

-جیمز مارتینو: دین اعتقاد به خدای همیشه زنده است یعنی اعتقاد به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان است و با نوع بشر مناسبات اخلاقی دارد (مارتینو، ۱۹۰۰)

۲-۴ تاکید بر جنبه های متفاوت از دین

۱- جنبه ی عقلانی:

ماکس مولر روی جنبه ی عقلانی تاکید کرده و می گوید، دین یک قوه و یا تمایل فکری است که مستقل است و علی رغم حس و عقل بشر را قادر می سازد که (بی نهایت) را تحت اسامی و اشکال گوناگون درک نماید.

۲- جنبه ی اخلاقی:

جنبه ی اخلاقی در دو تعریف مشهور تاریخی از امانوئل کانت و ماتئو آرنولد از دین ب عمل آورده اند مورد تاکید قرار گرفته است، دین عبارت است از تشخیص همه وظایف ب عنوان دستور الهی (همان منبع)

۳- جنبه ی احساسی:

تاکید احساسی بر دین توسط عالم بزرگ الهی شلایر مایر بیان گردیده است، جوهر دین عبارتست از احساس وابستگی مطلق. (همان منبع)

۴- جنبه ی پرستشی:

تاکید بر جنبه ی پرستشی دینی توسط متویس به عمل آمده است، دین عبارتست از پرستش قدرت های بالا به دلیل نیاز (همان منبع)

۵- جنبه ی شخصی:

تاکید بر نفع شخصی توسط آلبرت رویه یکی از اولین مورخین ادیان در عصر جدید به عمل آمده است، دین بیش از هر چیز مبتنی بر نیاز بشر در پی بردن به یک ترکیب هماهنگ بین سرنوشت خود او و عوامل موثر مخالفی است که در جهان با آنها روبرو می شود. (همان منبع)

۶- جنبه ی اجتماعی:

یکی از تاکیدهای بسیار مورد پسند جدید تاکید بر جنبه ی اجتماعی دین است که پرفسور ادوارد اسکروینارمز آن را اینگونه تعریف می کند، دین عبارتست از آگاهی به متعالی ترین ارزشهای اجتماعی. (همان منبع)

۷- جنبه ی فردی:

تاکید دیگری که کاملاً با تاکیدات فوق متفاوت است، تاکید فردی که با دقت بسیار زیاد در کتاب مشهور پرفسور ویلیام جیمز شرح داده شده است بنابراین دین همانطور که من اکنون از شما می خواهم داوطلبانه آن را بپذیرید، باید برای ما به معنی احساسات، اعمال و تجربیات هر یک از افراد بشر در خلوت خودشان تا جایی که خود را در رابطه با هر آنچه که الهی می پندارند و می بینند بوده باشد. (همان منبع)

تعاریفی از دانشمندان درباره دین

-به نظر یونگ دین به میزان قابل ملاحظه ای جنبه ی روانشناسی دارد، یونگ دین را با توجه به ریشه لاتینی آن عبارت از تفکر از روی وجدان می داند. (چکیده مقاله ها، اینترنت)

-ارپیک فروم دین را نیاز به پرستش و خدا را جلوه ای از نیاز انسان به کمال و گریز از یک حالت دوگانگی در رسیدن به وحدت و تعادل می داند. (همان منبع)

جهت گیری مذهبی:

از دیدگاه آلپورت جهت گیری مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی می باشد در جهت گیری مذهبی درونی ایمان به خودی خود یک ارزش تلقی می شود اما در جهت گیری مذهبی بیرونی، مذهب امری خارجی و ابزاری برای ارضای نیاز های فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می گیرد. در واقع از دیدگاه درونی دین یعنی ایمان به ذات الهی که سزاوار عبادت و اطاعت است و از منظر بیرونی از لحاظ اینکه یک حقیقت خارجی و بیرونی از درون انسان است در تعریف دین باید گفت: مجموعه ای از قوانین نظری که صفات این قوه الهی را مشخص می کند و نیز مجموعه ای از قواعد و ضوابط علمی است که راه و رسم عبادت و بندگی کردن خدا را برای ما ترسیم می کند. دانشمندان علوم انسانی در تعریف دین گفته اند، دین یک نهاد الهی است که صاحبان عقل سلیم را با اختیار و اراده آنها به سوی خیر و صلاح و رستگاری در آخرت هدایت می کند و در واقع عین یک نهاد الهی است که انسانها را به سوی آنچه از نظر اعتقادات حق و درست است و نیز آنچه در رفتار و کردار زندگانی بهتر و مناسبتر است راهنمایی می کند. (مداحی و همکاران، ۱۳۹۰)

رابطه بین دین و رضایت زناشویی

یکی از بُدهایی که بر کیفیت زناشویی اثر میگذارد، نظامهای ارزشی و عقیدتی همسران و تشابه ها و تفاوت های باورها و ارزشها در این زیرنظام زوجی است. پژوهشگران بسیاری بر رابطه ی بین مذهبی بودن (دین باوری) و رضایت زناشویی تأکید کرده اند. به طور کلی، مذهب اثر بسیاری در رضایت زناشویی دارد و مورد اهمیت است؛ زیرا مذهب به خودی خود مؤلفه های بسیاری همچون روشهای زندگی، نظامهای اعتقادی، ارزشی، انتظارات و غیره را در بر میگیرد. از اینرو مذهبی بودن بهطور معنی داری با رضایت زناشویی مرتبط است. مذهبی بودن، رویدادی آرام کننده است که در هنگام تعارض، برای زوجهای مذهبی به خوبی عمل میکند؛ بدین نحو که عبادت کردن هیجانهای خصمانه و تعاملهای هیجانی را کاهش میدهد. (فراچی و همکاران، ۱۳۹۵)

در واقع رضایت زناشویی بر اساس نگرشها و اعتقادات زوجها میتواند مشاجره ها، مشکل ها و چالش های پیش روی خود را با گفتگو و صبر و تحمل دو جانبه حل کند. نگرش مذهبی، اصلی وحدت بخش در میان زوجها است که به حل تعارض کمک میکند. (همان منبع)

۲-۲ رضایت از زندگی زناشویی

ماهیت و تعریف رضایت زناشویی

تعاریفی مختلفی از رضایت زناشویی^۱ وجود دارد که در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره خواهیم کرد:

^۱ - Marital satisfaction

رضایتمندی زناشویی از نگرش و ارزیابی عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی مشترک خود یا برخی از جنبه های زندگی همچون کیفیت ارتباط، سازگاری، توانایی حل مسأله، چگونگی گذراندن اوقات فراغت با همسر منشأ می گیرد (انریچ، ۱۹۶۵)

همچنین رضایت زناشویی عبارت است از احساس رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر در هر زمانی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند (هاکینز، ۱۹۶۲) به نقل از رمضان نژاد و به پژوه (۱۳۸۴).

رضایتمندی زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند، به عبارتی رضایت زناشویی فرآیندی است که در طول زمان بوجود می آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه ها، شناخت ویژگی های شخصی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مراوده ای است (مدیری و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۸۹).

رضایت زناشویی، یک مفهوم کلی است که در وضعیت مطلوب روابط زناشویی احساس می شود. از طرفی رضایتمندی زناشویی زمانی اتفاق می افتد که روابط زن و شوهر در تمامی حیطه ها بهنجار گزارش شود. بنابراین، محققان برای آسانی در سنجش، همچنین عملیاتی کردن این مفهوم رضایت مندی زناشویی را به چهار بعد اساسی تقسیم کرده اند که عبارتند از:

الف) جاذبه: عبارت است از جنبه ای از یک شی، یک فعالیت یا یک شخص، که برانگیزاننده ی پاسخ های نزدیکی در دیگران باشد؛ تمایلی برای نزدیک شدن به یک شی، فعالیت یا شخص که در رضایت زناشویی جاذبه های بدنی و جنسی انسان مد نظر قرار گرفته است (صالحی فدری، ۱۳۸۸)؛

ب) تفاهم: ارتباطی مبتنی بر پذیرش دو سویه، راحت و بدون تنش و دغدغه ی خاطر که بین دو نفر برقرار می شود (میراحمدی زاده، ۱۳۸۲)؛

ج) نگرش: نوعی سوگیری عاطفی درونی که عمل یک فرد را تبیین می کند. در اصل این تعریف در برگیرنده ی قصد و نیت فرد است (همان منبع)

د) سرمایه گذاری: منظور از این عبارت این است که هر یک از زوج ها برای بهتر ساختن رابطه و نیز خوشایندی طرف مقابل، کارهایی را انجام می دهند و یا از انجام آن خودداری می کنند به بیان دیگر، مقابله به مثل کردن، هنگامی که رفتار طرف مقابل پاداش دهنده است، و خودداری از انجام متقابل، هنگامی که رفتار وی پاداش دهنده نیست (صالحی فدری، ۱۳۸۸).

و در نهایت رضایت زناشویی، یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فردی است و می تواند بیانگر میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطه بسیاری از عوامل مربوط به زناشویی باشد (احمدی، نبی پور، کیمیایی، و افضلی، ۲۰۱۰).

– عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی

بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی محسوب می شود. ونیچ (۱۹۷۴)؛ به نقل از معتمدین (۱۳۸۳) در این خصوص می نویسد که ارتباط با همسر جنبه مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی یک شخص است. درباره عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی دو چشم انداز عمده وجود دارد. در کتب اول که مورد قبول مکتب تحلیل روانی است عمل درون فردی را مهم می داند و در چشم انداز دوم که مورد پذیرش رفتار گرایان است عوامل بین فردی را در رضایت زناشویی مهم می داند (نظری، ۱۳۸۳)

نیوفان (۱۹۹۴) عوامل زیر را بیانگر رضایت زناشویی می داند (الن کار، ۲۰۰۰؛ ترجمه تبریزی، ۱۳۴۳):

۱. سطح تحصیلات بالا
۲. موقعیت و وضعیت اقتصادی - اجتماعی بالا
۳. تشابهات زوجین در علایق، هوش و شخصیت
۴. در مرحله اولیه و ابتدایی چرخه زندگی بودن (قلمداد داشتن در اوایل دوره زندگی مشترک)
۵. سازگاری در مسائل جنسی
۶. ازدواج در سنین بالاتر در زنان
۷. رویداد های زندگی: نظیر حوادث استرس آور
۸. حمایت متقابل
۹. انجام کارهای خانه
۱۰. سبک دلبستگی زوجین
۱۱. بافت فرهنگی و اجتماعی
۱۲. پیشینه خانوادگی
۱۳. باورها و انتظارات

هنوز مکانیزمی برای کشف ارتباط بین این عوامل و ازدواج موفقیت آمیز پیدا نشده است. اما احتمالاً سطح بالای تحصیلات یا وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسب زوجین را به سمت رضایت بالاتری هدایت می کند. زیرا وجود همین عوامل باعث می شود زوجین مهارت های بهتری برای حل مسأله داشته باشد و کمتر دچار استرس شوند. (تبریزی، ۱۳۴۳)

وینچ (۱۹۷۴) هشت معیار را برای رضایت زناشویی از زندگی زناشویی مشخص کرده است، این معیارها عبارتند از:

- (۱) ثبات، (۲) انتظارات، (۳) رشد شخصیت، (۴) مصاحبت، (۵) شادی، (۶) رضایت، (۷) سازگاری، و (۸) یکپارچگی

در یک حالت کلی دیدگاه های مربوط به سازگاری و رضایت زناشویی را می توان به دو گروه تقسیم نمود: اولین دیدگاه به علت درون فردی و تأثیر آن بر فرآیند زناشویی می پردازد. نظریه پردازان صفت و روان تحلیلگران از عمده ترین طرفداران آن هستند. به این معنی که ویژگی های شخصیتی زوج ها در رضایت یا نارضایتی زناشویی تأثیر دارند.

دیدگاه دوم به جای موضوع های درون فردی به مسائل بین فردی توجه دارد. این دیدگاه در بین روان درمانگران رفتار گرا، محبوبیت و جاذبه بیشتری دارد. بر اساس این دیدگاه، مشکل اصلی زوج های مسأله دار به نارسایی کنش وری آن ها بر می گردد. به این صورت که رفتارها به جای پاداش، بیشتر تنبیه به دنبال دارند. چون در حقیقت همسران آشفته در مهارت های اجتماعی خود ضعف داشته و در تماس با همسر خود کنش و واکنش های رفتاری منفی زیادی نشان می دهند (بنی اسد، ۱۳۷۵).

رضامندی زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند. بر و هیل، رضامندی زناشویی را پیامد توافق زناشویی دانسته که رابطه مناسب بین زن و شوهر را توصیف می کند. ایشان می نویسند: هنگامی که زن و شوهر به میزان قابل توجهی از برآورده شدن نیازها و انتظاراتشان در رابطه زناشویی رضایت داشته باشند، رضامندی زناشویی را گزارش خواهند کرد. *آلوجا، و باریو و گارسیا* به نقل از *هاولت* می نویسند: رضامندی زناشویی

عبارت است از: برونداد ناشی از مجموعه‌ای از عوامل، نظیر حل تعارض موفقیت‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرآیند ازدواج. در واقع، رضامندی زناشویی، یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد. همچنین رضایت زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای تعیین و نشان‌دادن میزان شادی و میزان پایداری رابطه است. (جدیری و همکاران، ۱۳۸۹)

رضایت زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مراوده‌ای است. بدین ترتیب می‌توان گفت: زوجین دارای رضامندی، در حیطه‌های گوناگون زندگی با همدیگر توافق دارند. این چنین زن و شوهرهایی از نوع و سطح روابط کلامی او غیرکلامی‌شان راضی‌اند، روابط جنسی‌شان را لذت‌بخش و ارضاکننده می‌دانند، پای‌بندی‌های مذهبی مشترکی دارند، وقت و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند، در مسائلی که اختلاف نظر دارند، مصلحت زندگی و خانواده را بر مصلحت خود ترجیح داده، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت و رفت‌وآمد با اقوام و دوستان رضایت دارند و در نهایت، در تعداد و نوع تربیت فرزندان با هم اشتراک نظر دارند. (همان منبع)

تأثیر رضایت زناشویی بر ابعاد مختلف زندگی:

اهمیت کیفیت زندگی زناشویی یا همان رضامندی و نارضامندی زناشویی، در تأثیر آن بر سلامت روانی و جسمانی پدیدار می‌شود. مطالعات نشان داده است که رضامندی و یا نارضامندی زناشویی، بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، برای مثال، نتایج مطالعات در محدوده تأثیر جسمانی نشان داد، افراد متأهلی که زندگی‌شان پایدار بوده و استحکام بیشتری داشته، عموماً عمر طولانی دارند، از نظر جسمانی سالم‌ترند، شاد هستند و بیشتر احتمال دارد که از سرطان نجات یابند. از سوی دیگر، اختلاف زناشویی با سطح سلامت پایین‌تر و بیماری‌های جسمانی خاص نظیر سرطان، بیماری‌های قلبی و درد مزمن رابطه دارد. بررسی مربوط به تعامل زناشویی، حاکی از احتمال وجود مکانیزم‌هایی است که نشان می‌دهند؛ برای مثال، رفتارهای خصمانه در طول مدت اختلاف و تعارض زناشویی، با تغییر کارکردهای ایمنی غدد درون‌ریز و قلبی - عروقی رابطه دارد. بلوم، /شر و وایت‌یز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که میان ناآرامی‌های زناشویی و اختلال جسمانی و عاطفی، یک رابطه آشکار وجود دارد. همچنین مطالعات انجام شده روی ازدواج‌ها نشان داد که افراد متأهل سازگار، بیشتر عمر می‌کنند، درآمد بالایی دارند، ثروتمند هستند، در رفتارهای خطرناک کمتر درگیر می‌شوند و تغذیه سالمی دارند. از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان داده است که مردان مطلقه، در مقایسه با مردانی که روابط زناشویی موفق دارند بیشتر احتمال دارد دچار مرگ زودرس شوند و در بین آنان فشار خون دو برابر، سرطان گلو چهار برابر و ذات‌الریه هفت برابر وجود دارد که آنها را بیشتر به سوی مرگ زودرس پیش می‌برد. (جدیری و همکاران، ۱۳۸۹)

رابطه مذهب و خانواده:

از آن جایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند، و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش‌بینی می‌کنند. این جهتگیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد. نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی

موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزشها است که این ویژگیها می توانند زندگی زناشویی را متاثر سازند .

از سوی دیگر نگرش های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش ها و رفتارهای مذهبی به نسل های دیگر را شکل دهد . از این رو رابطه مذهب و خانواده را می توان یک رابطه اثرگذاری و اثر پذیری در نظر گرفت.

اینکه افراد موضوعی مانند ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می نمایند، تاثیر پذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می دهد. (خدایاری فرد و همکاران، بی تا)

۳-مروری بر پژوهش های انجام شده

۳-۱ پژوهش های انجام شده در ایران

رجبی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان ((رابطه ی سبک های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی در معلمان زن متاهل)) انجام دادند. نتایج نشان داد که سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی و با تعارض زناشویی رابطه مثبت، و با هوش هیجانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و با تعارض زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

تیرگری و همکاران (۱۳۸۵) پژوهشی تحت عنوان ((مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آن ها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳)) انجام دادند. نتایج نشان داد که بین عوامل و مؤلفه های هوش هیجانی و سازگاری (رضامندی) زناشویی و تفاوت سطوح برخورداری از ظرفیت های آن، در همسران سازگار با ناسازگار رابطه وجود دارد.

کاظمیان مقدم و مهرابی زاده (۱۳۸۸) به مقایسه نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین نگرش مذهبی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد ولی بین سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نشد.

خانم کریمی (۱۳۸۲) در تحقیقی رابطه نگرش مذهبی و شیوه فرزند پروری والدین را مورد بررسی قرار دادند نتایج بدست آمده نشان داد که بین نگرش مذهبی والدین و دخترانشان رابطه مثبت وجود دارد همچنین بین روشهای تربیتی والدین و نگرش مذهبی آنها نیز رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد اما بین روشهای تربیتی آنها و نگرش مذهبی پسرانشان رابطه معنی دار وجود ندارد.

-فرزانه منجزی و همکاران هم به بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی در شهرستان اصفهان پرداختند که این امر نشانگر وجود رابطه مثبت بین نگرش های مذهبی و افزایش رضایت زناشویی بود در یک بررسی خانم رازفر (۱۳۷۹) رابطه نگرش مذهبی و خویشاونداری نوجوانان را مورد بررسی قرار داد نتایج نشان داد بین نگرش مذهبی و خویشاونداری رابطه مثبت معنی دار وجود دارد.

خانم میرهاشمیان در تحقیقی دیگر تأثیر اعتقادات مذهبی و شکل گیری منبع کنترل ونیمرخ روانی را مورد بررسی قرار دادند که نتایج تحقیق نشان داد که بین اعتقادات مذهبی و سلامت روانی رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد . اما بین اعتقادات مذهبی و منبع کنترل رابطه معنی دار مشاهده نشد.

-خدایاری فرد و همکاران(بیتا)در تحقیقی با عنوان رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در نانشجویان متأهل دریافتند،بین میزان دینداری و رضایت زناشویی رابطه مثبت مهنداری وجود دارد.

۳-۲- مروری بر پژوهش های انجام شده در خارج

جان و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان ((هوش هیجانی و رضایت از روابط عاطفی مشخص: تجزیه و تحلیل متا)) انجام دادند. نتایج نشان دادند که رابطه ی بین هوش هیجانی افراد و رضایت عاطفی گزارش شده قابل توجه بودند، زیرا رابطه ای بین هوش هیجانی افراد و میزان رضایت زوجین از این رابطه وجود داشت.

Lavalekar و همکاران (۲۰۱۰) پژوهشی تحت عنوان ((هوش هیجانی و رضایت زناشویی)) انجام دادند. تجزیه و تحلیل انجام شده رابطه ی بسیار مثبتی را بین هوش هیجانی و رضایت زناشوی نشان داد.

اسمیت و همکاران (۲۰۰۸) پژوهشی تحت عنوان ((هوش هیجانی مشخص، الگوهای مربوط به اختلافات ارتباطی، و رضایت از روابط)) انجام دادند. نتایج نشان دادند که زوج هایی که بیشترین رضایت را داشتند، افرادی بودند که از بحث درباره ی مشکلات رابطه دوری نمی کردند و به شریک خود در EI بالاترین امتیاز را داده بودند. زوج های راضی احتمالاً بیشتر از زوج های ناراضی خود را در سطحی شبیه به شریک خود می دیدند.

باتسون و شوالب(۲۰۰۶) در پژوهش خود رابطه گذشت و باورهای مذهبی را بررسی کردند . شرکت کنندگان ۱۳۰ زوج کاتولیک بودند .نتایج نشان داد که سطوح ایمان و گذشت در مردان و زنان مشابه است . سطوح بالای ایمان با گذشت بیشتر رابطه داشت ، همچنین باورهای مذهبی و گذشت با دوام زناشویی رابطه داشت

کارمانز و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین گذشت و تعهد تعاملی وجود دارد که بر رضایت از زندگی ، عواطف مثبت و عزت نفس تأثیرمی گذارد .

لیتچر و کارمات(۲۰۰۹)در تحقیق بین زوجین کم درآمد نشان دادند:زوجینی که با هم در مراسم مذهبی شرکت داشتند و عقاید مشابهی درباره مسائل دینی،خودشان و رابطه شان داشتند،به صورت غیر منتظره ای نمره ی بالاتری در ابعاد مختلف کیفیت زناشویی داشتند.

- سولیوان (۲۰۱۱)نشان داده است که افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی تر به نظر می رسند.

- هانلرو گنچوز (۲۰۰۵) در مطالعه ای که روی زوجین ترکیه انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آنها می گذشت، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده ای بر رضایت زناشویی دارد، اما مذهبی بودن زوجین نمی تواند حل مساله زناشویی را در زوجین افزایش دهد.

- اورتینکال و ونستیوگن (۲۰۰۶) در مقایسه زوج هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارد.

- مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر، عبادت و حضور در کلیسا (متغیر های دینداری) مهمترین پیش بینی کننده رضایت زناشویی فرد می باشند.

۴- نتیجه گیری

رضایت زناشویی که به معنای احساس شادمانی و رضایت و لذت زوجین از زندگی می باشد متغیری بنیادی محسوب می شود که عوامل متعددی در آن تأثیرگذار است. هوش هیجانی که در سازگاری افراد با محیط و همچنین درک و کنترل احساسات و هیجانات در خود و دیگران نقش دارد، یکی از عواملی است که بر کیفیت رضایتمندی زناشویی زوجین تأثیر گذار است. تحقیقات انجام شده حاکی از این است که چنانچه فرد از نظر ظرفیت هوش هیجانی از رشد یافتگی بیشتری برخوردار باشد، انتظار می رود که در سایر زمینه های زندگی مانند: تحصیل، شغل، روابط بین فردی و همچنین رابطه زناشویی نیز بتواند به صورت سازگارانه عمل کند. پژوهش ها و مطالعات مختلف نشان می دهند افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند توانایی کنترل تشخیص و استفاده از توانش های هیجانی را دارند و می توانند در مواجهه با رویداد ها و مسائل زناشویی با گسترش دامنه بینش و ایجاد نگرش درباره وقایع و با بهره گیری از روش های مناسب و مفید به طور مؤثرتر و کاراتری با مسائل و مشکلات خود در روابط زناشویی برخورد کنند.

یافته های پژوهش های مختلف نشان می دهد که افزایش هوش هیجانی به افزایش رضایتمندی زوجین از یکدیگر و مجموعاً از زندگی خود منجر می شود پس می توان با افزایش هوش هیجانی رضایتمندی زناشویی افراد را بهبود بخشید. هوش هیجانی بالا به زوجین این توانایی را می دهد که کنترل موقعیت تهدید را بر عهده داشته باشند و از دخالت عوامل نامطلوب درونی و بیرونی و همچنین عوامل هیجانی منفی و فشار روانی اطرافیان و سایر عوامل محیطی بر روابط زناشویی خود جلوگیری کند و یا آن ها را به نحو مؤثرتری کنترل نمایند.

همچنین روابط زناشویی منبع عظیم احساسات، عواطف و هیجانات خوشایند و ناخوشایند از قبیل: عشق، محبت، دوست داشتن، ترس، نفرت، عصبانیت و می باشد. بنابراین اینکه زن و شوهر چقدر بتوانند در رابطه با این گونه احساسات خود گفتگو کنند، به صورت مناسبی ابراز کنند و یا چگونه و تا چه حدی بتوانند آن ها را کنترل کنند؛ همگی درگرو میزان هوش هیجانی و مؤلفه های آن می باشد، زیرا افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند قادرند احساسات و هیجانات را در خود و دیگران تشخیص دهند، آن ها را به درستی ابراز کنند و در شرایط مختلف آن ها را کنترل کنند و در نهایت بر نحوه ابراز احساسات و هیجانات و عواطف خود نسبت به اطرافیان مخصوصاً همسرشان تسلط داشته و مانع بروز بسیاری از برخوردها و سوء تفاهات در روابط زناشویی خود می شوند.

طبق مطالعه انجام شده و همچنین سایر مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی می توان این چنین نتیجه گرفت که زوجینی که هوش هیجانی بالاتری دارند در روابط خود قادرند عواطف و هیجانات خود و دیگران را تشخیص دهند، ابراز هیجانی مناسب و متناسب با شرایط داشته باشند و هیجانات خود را کنترل کرده و به طور مؤثری از آن ها استفاده کنند؛ بنابراین بین هوش هیجانی زوجین و کیفیت روابط و رضایتمندی زناشویی آن ها رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین می توان برای ایجاد رضایتمندی زناشویی در زوجین جوان و یا ارتقای آن در روابط بین همسران آن ها می توان آگاهی آن ها را از طریق آموزش مؤلفه های هوش هیجانی با کمک مراکز مشاوره و مشاوره های قبل از ازدواج، مشاوره های زوجی و ... ، افزایش داد.

مطالعه حاضر سعی نمود با بررسی جامع و کامل مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در حوزه هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی، مفاهیم و مطالب مربوط به این دو حوزه را بررسی و جمع آوری کرده تا مطالعات آتی بتوانند به مطالعه بیشتری در این حوزه بپردازند و جوانب مختلف آن را بررسی کنند. با در نظر گرفتن اهداف و فرضیه های این تحقیق می توانیم عنوان داریم که، بین نگرش مذهبی با رضایت زناشویی و سن دانشجویان رابطه و همبستگی وجود دارد. یعنی با افزایش یک متغیر، متغیرهای دیگر نیز افزایش می یابند و بالعکس. با یک گریز کوتاه به فصل دوم و ادبیات تحقیق نیز می توانیم بیان کنیم: یکی از بُعدهایی که بر کیفیت زناشویی اثر میگذارد، نظامهای ارزشی و عقیدتی همسران و تشابه ها و تفاوت های باورها و ارزشها در این زیرنظام زوجی است. پژوهشگران بسیاری بر رابطه ی بین مذهبی بودن (دین باوری) و رضایت زناشویی تأکید کرده اند. به طور کلی، مذهب اثر بسیاری در رضایت زناشویی دارد و مورد اهمیت است؛ زیرا مذهب به خودی خود مؤلفه های بسیاری همچون روشهای زندگی، نظامهای اعتقادی، ارزشی، انتظارات و غیره را در بر میگیرد. از اینرو مذهبی بودن بهطور معنی داری با رضایت زناشویی مرتبط است. مذهبی بودن، رویدادی آرام کننده است که در هنگام تعارض، برای زوجهای مذهبی به خوبی عمل میکند؛ بدین نحو که عبادت کردن هیجانهای خصمانه و تعاملهای هیجانی را کاهش می دهد. (فراچی و همکاران، ۱۳۹۵) در واقع رضایت زناشویی بر اساس نگرشها و اعتقادات زوجها میتواند مشاخره ها، مشکل ها و چالش های پیش روی خود را با گفتگو و صبر و تحمل دو جانبه حل کند. نگرش مذهبی، اصلی وحدت بخش در میان زوجها است که به حل تعارض کمک می کند. حال برای درک بهتر رابطه بین متغیرهای این پژوهش سعی می شود در ادامه مطالعاتی که قبلا توسط پژوهشگران دیگر انجام گرفته را برای هر فرضیه به صورت جداگانه توصیف کنیم.

منابع

- ایبیری، فرزانه. (۱۳۹۵). بین نگرش مذهبی با رضایت زناشویی کارمندان زن بیمارستان افشار یزد، پایان نامه کارشناسی
- احمدی، عطیه، پاکدامن، شهلا، فتحی، یوسف، شریفی، محمد. (۱۳۹۲). نقش نگرش مذهبی بر رضایت زناشویی معلمان و پرستاران شهر اراک، دومین کنگره روانشناسی اجتماعی ایران، تهران، اسفند ۱۳۹۲
- امینی راستابی، زهرا، شیخی، نازی، خداوردیان، زهرا، خسروی راستابی، مجتبی. (۱۳۹۴). نگرش مذهبی و رضایت از زندگی در زنان سالمند، اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان، اردیبهشت ۱۳۹۴
- پور موسوی، (۱۳۸۶) بررسی رابطه نگرش مذهبی با رضایت از زندگی زناشویی در شهرستان ابهر، پایان نامه کارشناسی، پیام نور مرکز ابهر

-جدیری،جعفر،جان بزرگی،مسعود،رسول زاده طباطبایی،سید کاظم(۱۳۸۹). بررسی رابطه رضامندی زناشویی (بر اساس معیارهای دینی) با عوامل جمعیت شناختی؛ تحصیلات،طول مدت ازدواج،سن ازدواج وتفاوت سنی،موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

-چکیده مقاله ها،اینترنت،سایت گوگل

- حیدری رفعت، ا و عنایتی فر، ع.(۱۳۸۹). رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، روانشناسی و دین، سال سوم، شماره ۴

-خدایاری فر،محمد،شهابی،روح الله،اکبری زردخانه،سعید.(بی تا). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی دانشجویان متاهل،فصلنامه خانواده پژوهشی،۳ (۱۰)

-روزنامه اطلاعات، ۲۹ تیر.(۱۳۹۲)

شمس اسفندآباد،خ،حیدری،نژاد.(۱۳۸۴) فرایند مدیریت دانش از حافظه سازمانی تا یادگیری سازمانی،ماهنامه مدیریت و توسعه،شماره ۱۲

- عزتی،مرتضی،(بی تا)،سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل و آثار آن

-فراچی،سید محمد حسن، اصغری ابراهیم آباد،محمد جواد،مشیریان فراچی،سیده مریم،رازقی کاشانی،شمیم،توکلی،حامد.(۱۳۹۵). ارتباط نگرش مذهبی با میزان رضایت زناشویی، سلامت روانشناختی و تابآوری، در کارمندان زندان، مجله ی پژوهش در دین و سلامت،دوره ۲، شماره ۲،بهار۱۳۹۵

-کریمی،حوریه،خاکباز،حمید،معین الدینی،زهرا،دشتی پور،معصومه،عابد،نازنین،پاکدامن،شهلا.(۱۳۹۱). معنویت زندگی زناشویی و سلامت روان،نخستین همایش اسلام و سلامت روان،بندرعباس

-لغت نامه دهخدا

-منجری،فرزانه،شفیع آبادی،عبدالله،سودایی،منصور.(۱۳۹۰).بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی،تحقیقات علوم رفتاری،شماره ۱

-پراهویی،داود،دهمرد،حیدر،سرحدی اول،معصومه،دین محمدی،فرهاد.(۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با میزان پرخاشگری در کارکنان اجرایی شهرستان خاش،پنجمین کنرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی،انگلستان،لندن

احمدزاده، مریم؛ و همکاران، فراتحلیل بررسی رابطه ی سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی (۱۳۸۱-۱۳۸۹). اندیشه و رفتار، دوره ی هفتم، شماره ی ۲۵. شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره شانزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۱.

افخمی عقدا، محمد؛ عابدینی، مریم؛ و همکاران، بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در متاهلین شهر یزد، مجله طلوع بهداشت، شماره: چهارم، مهر و آبان ۱۳۹۳.

بنی اسد، ح، ۱۳۷۵، بررسی و مقایسه عوامل فردی اجتماعی و شخصیتی در زوج های سازگار و ناسازگار شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.

بوژمهرانی، سمانه ۱۳۸۶، بررسی تصورات ذهنی کودکان ۸ - ۵ سال نسبت به خدا از دیدگاه پیاژه. بهشهر: دانشگاه پیام نور.

تیرگری؛ و همکاران، مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آن ها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره شانزدهم شماره ۵۵، آذر و دی سال ۱۳۸۵.

حسین حسین آباد، فاطمه، ۱۳۸۳، ارتباط ساختار قدرت در خانواده و هوش هیجانی زنان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

رجبی، غلامرضا؛ موسویان نژاد، خلیل؛ تقی پور، منوچهر، رابطه ی سبک های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی در معلمان زن متأهل، دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۴ (۱)، ۱۳۹۳، ۴۹-۶۶.

سلیمانیان، علی اکبر؛ محمدی، اکرم، بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۸۸.

شهینی ییلاق، منیجه؛ مکتبی، غلامحسین؛ و همکاران، بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی بر اضطراب اجتماعی، سازگاری اجتماعی و هوش هیجانی دانشجویان دختر و پسر. مجله دست آوردهای روانشناختی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۴ (۱)، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ۳-۲۶.

ملکی آوارسین، صادقی؛ سیدکلان، میرمحمد، بررسی رابطه بین هوش هیجانی و اثربخشی اعضای هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد دامغان. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۲ (۲)، ۱۳۸۷، ۱۱۵-۱۳۱.

میر احمدی زاده، علیرضا؛ نجفی، نوذر، (۱۳۸۲). رضایت مندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیر گذار بر آن در شیراز. مجله اندیشه و رفتار، دوره ۸، شماره ۴ (پیاپی ۳۲)، بهار ۱۳۸۲، صص ۵۶-۶۳.

Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H (۲۰۱۰). Effect of family problem-solving on marital satisfaction. Journal of Applied Science, ۱۰(۸), ۶۸۲-۶۸۷.

Bar-On, R (۱۹۹۷). The emotional quotient inventory (EQ-I): Technical manual Toronto, Canada: Multi- Health systems.

Dr. Anagha Lavalekar, Pradnya Kulkarni and Pranita Jagtap (۲۰۱۰). Journal of Psychosocial Research.

Ellis, A (۱۹۹۲). My current views on rational-emotive therapy (RET) and religiousness. Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy, ۱۰, ۳۷-۴۰.

Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D.X., Ding, J., Lei, Z., Lu, Q., & Pan, F (۲۰۱۵). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. Stress Health, ۳۱(۲), ۱۶۶-۷۴.

John M. Malouff, Nicolas. Schutte, and Einar B. Thorsteinsson (۲۰۱۲). Trait Emotional Intelligence and Romantic Relationship Satisfaction: A Meta-Analysis. The American Journal of Family Therapy, ۴۲:۵۳-۶۶, ۲۰۱۴ Copyright © Taylor & Francis Group, LLC.

Lynne Smith, Patrick C.L. Heaven, Joseph Ciarrochi (۲۰۰۸). Personality and Individual Differences ۴۴ (۲۰۰۸) ۱۳۱۴-۱۳۲۵.

Sobhaninejad M,yuzbash AR.Emotional intelligence and Management in Organization. Tehran: Yastaroon Publication; ۲۰۰۸: ۱۸-۲۰

Batson, M. D & Shwalb, D. W, (۲۰۰۶). Forgiveness and Religious Faith in Roman Catholic Married Couples,Pastoral Psychology, ۵۵, ۱۱۹-۱۲۹

Fan, J.S, ۲۰۰۸, Ineq ity in social exchange. Advancesin Experimental Social Psychology, ۲, ۲۶۷-۲۹۹

Hunler O.S, Gencoz T. The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role marital problem solving between religiousness and marital satisfaction relationship. Contemporary Family Therapy. ۲۰۰۵; ۲۷(۱): ۱۲۳-۳۶

Lichter, D, T. Carmalt, J, H. (۲۰۰۹). Religion and marital quality among low-incom couples. Social science Research, Vol ۳۸, pp ۱۶۸-۱۸۷

Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (۲۰۰۶). Religiosity and Marital satisfaction. Contemporary Family Therapy, ۲۸; ۴۹۷-۵۰۴.